

پرسونا

زهره فصل‌ها



تابستان ۱۳۹۹

نشر شادان



گروه فرهنگی انتشاراتی

انتشارات شادان

دفتر مرکزی:

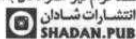
تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی.

شماره ۱۰۲. تلفن: ۸۸۲۴۱۰۲۰ - ۸۸۲۶۷۲۹۸

www.shadan-pub.com

shadan@shadan-pub.com

در اینستاگرام نیز همراهان باشید



پرسونا

نویسنده: زهره فصل بهار

نوبت چاپ: اول - سال شانزدهم

ویراستار: مژگان معصرمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۹۹-۲

کتابخانه ملی: ۶۱۲۶۴۵۹

تیراژ: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۷۵۰۰۰ ریال

فصل بهار. زهره

پرسونا - نویسنده: زهره فصل بهار

تهران: شادان ۱۳۹۹ ۵۱۱ صفحه /

(رمان ۱۲۶۸)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۹۹-۲

ISBN: 978-600-7368-99-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

داستانهای فارسی - قرن ۱۴

PIR ۸۱۶۹

۱۳۹۹

کتابخانه ملی ایران

۸۳/۶۲

۶۱۲۶۴۵۹

یادآوری: کپی غیرمجاز این اثر متعلق به انتشارات شادان است. هرگونه استفاده از آن با مجوز ناشر مجاز است.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

استفاده از کتابهای شادان برای قرار دادن در سایت های مختلف - به هر شکل - غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

اثرات امید و آرزو...

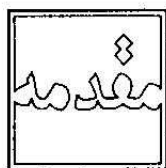
برخی کلمات مثل جُفت‌های جدا ناشدنی‌اند و در ذهن ما همیشه کنار هم می‌نشینند، مثل «امید و آرزو»!

شاید اگر اثرگذارترین کلمه در زندگی هر کس را بخراهم نام ببریم همین «امید» باشد، کلمه‌ای که از هیچ ناگهان همه چیز می‌سازد. آن گاه آن را با خواسته‌ای در آینده پیوند می‌دهد به نام «آرزو» که بر هیچکس عیب نیست: چه پیر و چه جوان!

مگر بدون امید امکان زندگی کردن هست؟ حتی دست برداشتن به دعا همان معنای امید را دارد، همان تکیه کردن به او که حس و توان تکیه‌گاه را می‌دهد و می‌تواند آرزوی فردایت را جامه واقعیت بپوشاند: پیوندی میان امید امروز با آرزوی فردا.

خوب می‌دانیم نمی‌توان جلوی ناخواسته‌ها را در زندگی گرفت و به هر حال پیش می‌آیند و غافلگیر می‌کنند ما را، اما می‌توان با امید، خود را از میان حالِ خراب و درمانده بیرون کشید و چشم به فردایی بهتر و روشن‌تر دوخت. شاید هم هیچگاه آن فردا نرسد و آن آرزو برآورده نشود ولی نیاز آدمیزاد این است که دل ببندد به خیالِ فردایی بهتر!

با این نیروی پایان‌ناپذیر، آدمی هر کاری را ممکن می‌سازد و در هر راهی گام برمی‌دارد، حتی اگر احتمال سخت‌ترین تجربه‌ها را داشته باشد. وقتی امید هست



می‌توان هر تلاشی را برای هر سختی به جان خرید و پیش رفت. درست مانند رسیدن به محال اما ممکن، آنچه ناشدنی است ولی ایمان به شدنش داریم و برایش هر گامی را برمی‌داریم.

داستان پرسونا حکایت امید است به آنچه محال می‌نماید، قصه چشم دوختن به آرزویی که در نگاه اول ناشدنی است و وارد شدن به راههایی که هر گامش خطر است و احتمال از دست دادن همه چیز! نویسنده با طرح اتفاقات گوناگون و داستانی پُر از فراز و نشیب، تاثیرگذاری قهرمان داستان بر دیگرانی را بیان می‌کند، مدت است به راهی دیگر رفته‌اند. شاید اگر همین کلمه جادویی امید نبود هیچ‌کس از این قایع و تغییرات رخ نمی‌داد و بر زندگی و آینده افراد مختلف اثر نمی‌آذات. تاریاتی که می‌تواند با امید به آینده، عشق را در زندگی متبلور سازد و سال‌های زیاده را به پای آن بنشانند.

شخصیت‌های داستان پرسونا می‌آیند و می‌روند و مخاطب را به عنوان فردی واقعی و ملموس متقاعد می‌سازند. این نکته مهم و کلیدی آثار نویسنده است که علیرغم انتخاب سوژه‌های خاص، قهرمانان واقعی و باورپذیر می‌آفرینند. اکنون همراهش شوید و از داستانش لذت ببرید.

بهمن رحیمی

مردادماه ۱۳۹۹ - تهران

سپهر